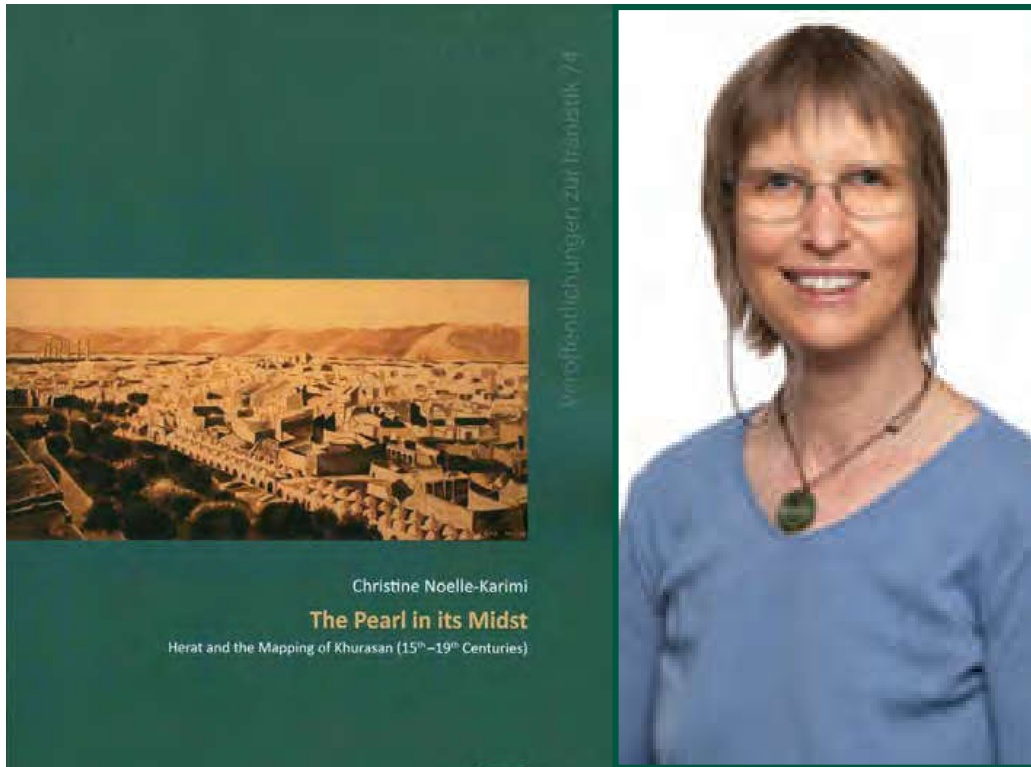


(۲)

معرفی کتاب

مرواریدی در صدف، نقش هرات و نقشه خراسان از سده ۱۵ تا ۱۹ میلادی

دکتر محمدالله افزالی^۱



۱. پژوهشگر ادبیات فارسی و تصوف afzali1966@gmail.com



یادداشت

«مروریدی در صدف» هرات و جایگاه آن در نقشه خراسان محصول چندین سال پژوهش دکتر کریستین نوله کریمی است که به زبان انگلیسی تألیف شده و نویسنده سعی دارد تا نقش تأثیرگذار این شهر را در جغرافیای خراسان، آن گونه که در شأن آن است به تصویر بکشد. این کتاب تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. در این نوشته ضمن معرفی کتاب امیدواریم راهی جهت برگردان آن به زبان فارسی گشوده شود تا فایده این کتاب عام‌تر گردد.

مقدمه

سفری کردم وقتی به هری به هری کردم وقتی سفری

نگارش این بیت در آغاز کتاب «مروریدی در صدف» از آن جهت تحریر یافته که گویا مؤلف خواسته است تا احساس خود را نسبت به هرات با این بیان مختصر نمایان سازد. این علاقه‌مندی به هرات و شهرهای تاریخی مشابه آن، از دیرباز در بین مؤرخان و نویسندگان مرسوم و مروج بوده و کتاب‌های معتبر تاریخی - ادبی به وفور از هرات و اوصاف این شهر مواردی را بازگو کرده‌اند. از کتاب «اوستا» تا آثار و منابعی به زبان عربی و فارسی در مورد هرات و جایگاه تاریخی آن چیزهای زیادی گفته‌اند و در بسا موارد صفحاتی را به صورت مفصل به شناخت و مطالعه این شهر اختصاص داده‌اند. تنها در زبان فارسی، کتاب تاریخ هرات که شیخ عبدالرحمن فامی هروی (۴۷۶-۵۴۶ق.) نویسنده احتمالی این کتاب خواهد بود نسبت به کتاب‌های بعدی در مورد هرات حق تقدم دارد. علاوه بر آن «تاریخ‌نامه سیفی» اولین اثر مشروحی است که پیرامون هرات و اهمیت تاریخی آن در سال ۷۲۰ق. توسط سیف بن محمد بن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی نوشته شده و کتاب «روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات» از معین‌الدین اسفزاری در قرن ۹ق. تا تاریخ مختصر هرات در عهد تیموریان که توسط عبدالحکیم طبیبی در سال ۱۳۶۸ق. نگارش یافته است، نمونه‌های گران‌سنگی است که مؤلفان آن‌ها در معرفی و شناخت هرات زحمات قابل قدری را متحمل شده و پژوهش‌های در خور توجهی انجام داده‌اند.

طی چندین قرن تاریخ‌نگاران زیادی از زبان‌های دیگر به صورت حتم در مورد هرات و اهمیت تاریخی آن، رساله‌ها و کتاب‌هایی نوشته‌اند که بررسی و جمع‌بندی همه آن‌ها خود تحقیق و پژوهشی مفصل خواهد شد و ممکن است زمانی به همت کسانی انجام یابد اما آنچه در این مقال مورد توجه ماست، نگارش کتابی از یک نویسنده زن اروپایی که خود به سراغ حوادث تاریخی رفته و شهر هرات و اتفاقات ماحول آن را برجسته ساخته است. برای ارائه مطلبی منسجم





و جمع‌بندی بهتر موضوع، موارد قابل طرح در این مقاله را زیر چند عنوان دنبال می‌کنیم:

معرفی نویسنده

پروفسور کریستینا نوله کریمی «Prof Christine Noelle Karimi» عضو هیأت علمی انستیتوت مطالعات خاورشناسی در اکادمی علوم اتریش می‌باشد. وی در سال ۱۹۹۵م. مدرک دکترای خویش را در زمینه مطالعات شرقی از دانشگاه برکلی کالیفورنیای امریکا به دست آورده و در ادامه تلاش‌های پژوهشی‌اش با تألیف این اثر، در سال ۲۰۰۹ از دانشگاه «بامبرگ» در کشور آلمان به درجه پروفسوری نایل آمد. نام‌برده که دوره کارشناسی ارشد خویش را نیز در دانشگاه برکلی تکمیل کرده بود از سال ۱۹۹۷م. تا سال ۲۰۱۰ به حیث استاد و استاد مهمان در دانشگاه‌های بامبرگ و مونشن تدریس نموده و از سال ۲۰۱۰م. به بعد منحصراً سرمحقق در انستیتوت مطالعات ایران‌شناسی اکادمی علوم اتریش در ویانا حضور داشته است. آشنایی با زبان فارسی وی را به مطالعه پیرامون تاریخ و فرهنگ خراسان کهن و افغانستان امروز علاقه‌مند ساخته و تلاش‌های قابل توجهی در زمینه انجام داده است.

«دولت و قبیله در افغانستان قرن نوزدهم» عنوان اولین کتابی است که خانم نوله کریمی در سال ۱۹۹۷م. آن را به چاپ رسانده بود. «افغانستان کشوری بدون دولت» دومین کتابش می‌باشد که در سال ۲۰۰۲م. به چاپ رسیده است و «مرواریدی در صدف، نقش هرات و نقشه خراسان» کتاب بعدی است که در سال ۲۰۱۴م. تألیف کرده و مورد استقبال فراوان قرار گرفته است. علاوه بر آن مقالات انتقادی زیادی پیرامون وضعیت جنگ و نقش زنان در افغانستان از جمله «مرواریدهای خردشده، زنان و جنگ در افغانستان»، «زنان در کانون درگیری‌های افغانستان» و «زن متاع مدرنیته در افغانستان» در مجله‌های معتبر غربی از وی به چاپ رسیده است. خانم کریستینا نوله کریمی هم‌سر آقای مسعود کریمی از محققان افغانستان بوده و در سپاس‌نامه این کتاب که ترجمه آن در ادامه خواهد آمد، آقای مسعود کریمی نقش چشم‌گیری در موفقیت‌های هم‌سرش داشته است و در همه زمینه‌ها با وی هم‌کار بوده است. خانم کریمی با نشر این اثر، در سال ۱۳۹۴ش. برنده جایزه کتاب سال در ایران نیز گردید.





معرفی کتاب

نام: مرواریدی در صدف - نقش هرات و نقشه خراسان از سده ۱۵ تا ۱۹ میلادی

نویسنده: پروفسور کریستینا نوله کریمی

تعداد صفحات: ۳۷۴ صفحه

ناشر: اکادمی علوم اتریش در وینا

سال نشر: ۲۰۱۴ م.

شابک: ISBN: 978-3-7001-7202-4

این کتاب در فهرست خود بعد از سپاس‌نامه، معرفی و مقدمات، دارای شش فصل بوده که در فصل اول هرات در دوره تیموریان را به بحث و بررسی گرفته و تمامی ویژگی‌های شهر هرات را در آن زمان از جمله مسجد جامع، قلعه اختیارالدین، دیوارهای شهر و بازار، اطراف هرات شامل قریه‌ها شمال و جنوب هری‌رود، ولسوالی‌های هرات و کلیه مناطقی که فعلاً جزو هرات نمی‌باشد را معرفی کرده است.

در فصل دوم از هرات به عنوان قلمروی مطمئن در زیر سیطره صفوی‌ها و افشاری‌ها یاد می‌کند که در آن به دقت مسایل سیاسی - نظامی، جابه‌جایی‌های قدرت‌ها، وضعیت اقتصادی با تجارت و مالداری، کمیت نفوس، ارتباطات افغان‌های ابدالی در بین منافع مغولان هند و صفوی‌ها، ظهور نادرشاه افشار و ابدالی‌ها، تشکیل دولت احمدشاه و تحولات هرات در قرن ۱۸ مورد نقد و پژوهش قرار گرفته است.

در فصل سوم از هرات به عنوان قلمرو سدوزایی‌ها نام برده و قندهار را پایتخت درانی‌ها گفته است. در ادامه، ساختار دولت سدوزایی، مبانی اعتقادی، تقسیمات اداری و نمایش قدرت در سایه فتوحات احمدشاه را مفصلاً شرح داده است.

در فصل چهارم هرات در قرن ۱۹، مروری بر تحولات سیاسی، شناخت سنی و شیعه، نفوس هرات، تصوف اسلامی، محاصره قاجار، تأثیر شدید سیاست ضد شیعی امیر عبدالرحمن خان، اقوام ساکن در هرات مانند ایماق‌ها، هزاره‌های سنی قلعه‌نو، جمشیدی‌ها، فیروزکوهی‌ها و تایمنی‌ها همراه با شرح جغرافیای آن زمان هرات و ولسوالی‌های مربوطه به علاوه مقابله افغان‌ها و قاجارها که با ادعاهای متضاد در تاریخ‌نویسی فارسی آمده است، محتوای این فصل را تشکیل می‌دهد.

قاجارهای خراسان را با ساختار قبیلوی و روش حکومتداری‌شان، حاکمیت اشرافی قبیله‌ای





در خراسان همراه با اقوام کرد و عرب در اطراف خراسان با تفکیک حاکمیت‌های فرد به فرد این خاندان، موضوع فصل پنجم این کتاب به شمار می‌رود.

در فصل ششم پیدایش مرزبندی‌های جدید و محدود شدن قلمروها، شهزاده‌نشین خیوه، حضور ترکمن‌ها، پیش‌روی روس‌ها در آسیای مرکزی با ذکر مناطق فعلی ترکمنستان، مباحثی است که تغییر و تحولات منطقه وسیع خراسان را دربر می‌گیرد.

خانم نوله کریمی در جمع‌بندی نهایی خویش دو عنوان را برجسته می‌سازد: «هرات و خراسان پیشرفته در نگاه اول» و «مردمانی مدرن با سیستم ارباب رعیتی». در نهایت کتاب با فهرست اصطلاحات و منابع همراه با جدول‌های نسب‌شناسی و نقشه‌ها به پایان می‌رسد.

در خصوص تألیف و نشر کتاب «مرواریدی در صدف - نقش هرات و نقشه خراسان - از سده ۱۵ تا ۱۹ میلادی»، خانم کریمی خود معتقد است که در این کتاب، هرات به مثابه شهر مرکزی خراسان از عصر تیموریان تا سده نوزدهم از حیث تحولات جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی به ویژه در مقایسه با شهرهای مشهد و مرو مورد بررسی قرار گرفته است.

خانم نوله کریمی در فصل دوم کتاب با توجه به افزایش تنش میان صفوی‌ها و تیموری‌ها، به نکات ارزشمندی اشاره می‌کند از جمله این که ظهور صفوی‌ها سبب افول جایگاه هرات به عنوان پایتخت خراسان گردید. هرات به خاطر اصلاحات اداری شاه‌عباس صفوی (۱۶۲۹ - ۱۵۸۸م)، نقش رهبری‌کننده خود را در برابر مشهد از دست داد. نکته حایز اهمیت دیگر این کتاب، ارائه توضیحات گسترده در خصوص نفوس و جمعیت‌شناسی منطقه است که در برگرفته‌معلومات مفید و ارزشمندی می‌باشد. نویسنده در فصل سوم پیش از ارزیابی سقوط صفوی‌ها، تاریخ حضور ابدالی‌ها در قرن ۱۶ و ۱۷ را به بررسی می‌گیرد و اقتدار آن‌ها را در آغاز دلیلی بر بازگشت هرات به جایگاه اولیه قلمداد می‌کند و در نهایت گرایش ابدالی‌ها به سمت هند را سبب افول مجدد جایگاه هرات در برابر قندهار می‌داند.

با توجه به نقدهایی که از این کتاب صورت گرفته است، چنین بر می‌آید که خانم کریمی با مطالعه آثار دیگر نویسندگان در یگانگی خراسان و ایران (آریانای قدیم) دچار تردید بوده و گویا خراسان را بخش جداناپذیری از ایران امروزی می‌داند. به همین سبب معاهده (۱۸۵۷م) پاریس که در آن زمان بین ایران و انگلیس به امضا رسید و سبب جداسازی هرات گردید را خانم کریمی سرآغاز جدایی خراسان از ایران می‌داند. در حالی که پیش از ایجاد دولت‌های امروزی، بحث حاکمیت‌ها مطرح بوده که در اختیار خاندان‌های مقتدر قرار داشت و محدوده‌های جغرافیایی،





پیش از این که به کشورهای مدل امروزی تعلق داشته باشد به سلسله‌های صاحب‌قدرت تعلق داشت و سرزمین‌ها به نام حاکمیت‌ها یاد می‌شدند تا محدوده‌های جغرافیایی به نام ایران، خراسان یا افغانستان. دقت در این موارد نیاز به مطالعه دقیق این کتاب و ترجمه آن به زبان فارسی دارد.

بررسی نهایی

مدت کوتاهی است که با هم‌کاری دوست فرهیخته‌ای، نسخه‌ای از این کتاب در دسترس من قرار گرفت تا کمیت آن را برای ترجمه باکیفیت به زبان فارسی مورد سنجش و بررسی قرار دهم. ابتدا من باب تَوَرُّق فهرست بلند بالای آن را مرور کردم و دریافتم که در صورت اقدام به چنین امر مهمی، ابتدا به سراغ مؤلف آن باید رفت و بعد از کسب اجازه و توافق مرسوم در ترجمه کتاب، دو سه تنی از اهالی ادبیات، گروهی را برای ترجمه آن تشکیل دهند و در ارائه ترجمه‌ای که بتواند با اصل متن هم‌سری داشته باشد، آهسته و پیوسته گام بردارند.

سپاس‌نامه‌ای که خانم نوله کریمی تقدیم هم‌سفرانش کرده است، بخش نخست و مختصر این کتاب و در عین حال باب آسان ورود به این اثر می‌باشد و با طرز بیان دل‌نشینی آغاز شده است. این آغاز و این براءت استهلال مرا بر آن داشت تا غرض‌آشنایی بیش‌تر علاقه‌مندان این گونه آثار، به فارسی برگردان شده و در پایان این مطلب ارائه شود. انتظار می‌رود تا عزیزان فرهیخته‌ای که در راه ترجمه دستی به قلم دارند، گامی به جلو بردارند و برای استفاده عموم، ترجمه کامل کتاب را روی دست گیرند.

سپاس‌نامه

«در حکایتی معروف از نظامی عروضی نویسنده قرن دوازدهم آمده است که چگونه ابونصر ابن احمد، امیر سامانی، به طرز شگفت‌انگیزی از سرایش قصیده پربار «رودکی» شاعر پرآوازه آن عصر، انگیزه یافت تا از آب و هوای دل‌پذیر، مناظر لذت‌بخش و برتر از همه از میوه‌های خوش طعم هرات صرف نظر کرده و این شهر را به قصد مرکز حاکمیتش (بخارا)، ترک کند. این تجربه قطعاً محدود به عصر سامانیان و دربار سلاطین نیست. وقتی من در سال ۱۹۷۹م. برای اولین بار از شهر هرات دیدن کردم، به رغم خرابی‌های آشکاری که از زمان حکومت کمونیستی بر جای مانده بود، هم‌چنان شیفته این شهر سرزنده شدم. آن زمان کم‌تر حدس می‌زدم که ممکن است در نهایت کتابی پیرامون این حوزه تألیف کنم و در چنین حالتی از گذشته پربار این سرزمین، فقط رایحه آن در یک لحظه به مشام رسید.





کتاب حاضر که به پایهٔ اکمال رسیده، در سال ۲۰۰۸ م. به عنوان یک اثر تحقیقی جهت ارتقا به درجهٔ پروفesوری در دانشگاه بامبیرگ (Bamberg) ارائه شده است. من از بنیاد پژوهشی آلمان و حمایت همه‌جانبه‌شان از این پژوهش که موجب ترغیب من برای ورود به کتاب‌خانهٔ هند در لندن، کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد، کتاب‌خانهٔ بنیاد ایران‌شناسی، دایرهٔ‌المعارف بزرگ اسلامی، کتاب‌خانهٔ دانشگاه تهران، کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی، کتاب‌خانهٔ ملی ایران و سازمان اسناد ملی در تهران گردید، سپاس‌گزارم.

در نگاه نخست ارائه تاریخ یک شهر از سدهٔ ۱۵ تا ۱۹ میلادی، ممکن است مانند یک راه هم‌وار به نظر برسد که حوادث سرزمین‌ها را در پیوند با ظهور و افول حاکمان آن به نمایش می‌گذارد. در همین حال، به زودی دریافتم که سرنوشت هرات تنها در رابطه با هم‌سایه‌ها و جریان‌های دربرگیرندهٔ منطقه‌ای آن قابل درک است. چیزی که به صورت داستان یک شهر آغاز شد و به عنوان تلاشی جهت دریافت تحولات آن دوره دنبال گردید و با انجام پژوهش‌های لازم در ردیابی تأثیرات موضوع در ابعاد مختلف، از جمله تأثیرات منطقه‌ای، سیاسی و فرهنگی، با درنظرداشت منابع معاصر آن در زبان فارسی، به انجام رسید؛ البته با استفاده از مواد موجود، مراحل تکمیل این اثر در دو محیط علمی هم‌سو (مؤسسهٔ مطالعات ایران در دانشگاه بامبیرگ Bamberg) و (آکادمی علوم اتریش در وینا) پایان یافت.

در طول پژوهش و نگارش این اثر، از توانایی‌های علمی چند تن از هم‌کاران عزیزم؛ به ویژه از «برت فراگنر»، «بیگیگت هافمن»، «لورنز کورن»، «ویلفرید کرنگز» و «رابرت دی»، «مکنسی»، «بریتریسمن» و «جیرگن پاول» که در قسمت پیش‌برد پژوهش در مرحلهٔ ابتدایی این اثر و در موضوع منطقه‌گرایی مدرن، هم‌پاری و هم‌نوایی داشتند، بهره‌مند شدم.

لوتز زیهاک سخاوتمندانه مجموعه‌های غنی از منابع روسی خود را با من شریک ساخته و در زمینهٔ مطالعه و بازخوانی این اثر از هم‌کاری‌های ارزشمند خویش دریغ نکرده است. ایرج افشار، سوسن عسلی، ظاهر بهارلو، یوری برگل، آصف فکرت، ... به منابع مربوطه راهنمایی‌ام کردند. اندریاس دریشلر مدیر کتاب‌خانهٔ دانشگاه بامبیرگ، وینفرد ریسترر مدیر کتاب‌خانهٔ ایالتی در مونیخ و کورنلیا کلنر کارمند کتاب‌خانهٔ آکادمی علوم در وینا به آنچه در تألیف کتابم نیاز بود با مهربانی پاسخ دادند. میشل استولر از کتاب‌خانهٔ دیجیتال افغانستان با محبت اجازه داد تا اعلامیهٔ امیر عبدالرحمن خان جهت مطالعهٔ اعضا، تکثیر شود. نقشه‌های باقی‌مانده توسط گنتر جیو مولر، کسی که در انتقال داشته‌های ذهنی و متنی با من صبورانه هم‌کاری داشت، تهیه گردید. مراتب سپاس‌گزاری عمیق خود را خدمت تمامی آن‌ها تقدیم می‌دارم.





آخرین و حیاتی‌ترین مرحله تکمیل این کتاب بدون داشته‌ها و پشتیبانی هم‌کارانم در انستیتوت مطالعات ایران در ویانا ممکن نبوده است. از فلوریان شوارتز به خاطر تشکیل چنین تیمی بزرگ، ایجاد فضای هم‌کاری مفید به منظور انجام پژوهش‌های مشترک و عالی و به ویژه از جهت تمایل خودش برای سهم‌گیری در بحث‌های متعدد، شامل مفاهیم گسترده از تصورات ذهنی تا جزئیات طراحی و ترجمه به صورت ویژه سپاس‌گزارم. جورجیو روتا مهربانانه داشته‌های تخصصی خود از حاکمیت صفوی‌ها و امور نظامی را با من شریک ساخت. امیر احمد هم با شکیبایی متن‌های پیچیده را به خوانش گرفت و ارزیابی کرد. من از بابت بررسی دقیق متن تهیه شده‌ام و سهم‌گیری در تلاش‌هایم به ویژه در قسمت بررسی و بازگشایی حوزه‌های هم‌سطح تاریخ‌نگاری و ادبیات، مدیون خانم جاستین لاندوا هستم. در تمام مراحل ترکیب‌بندی این اثر، از مشورت‌های تخنیکی ولیزار سدوسکی، و سایلی وینتکر بهره‌مند شدم. بتینا هوفلیتنر در مرحله پایانی ترتیب کتاب به ما پیوست. جدول‌های نسب‌شناسی، شاخه‌ها و جلد کتاب محصول ظرافت‌کاری‌ها و زیبایی‌شناسی‌های او بود.

در اخیر می‌خواهم از هم‌سرم «مسعود کریمی» به خاطر شکیبایی‌اش در طی مراحل نگارش و چاپ این اثر، به لحاظ سهم‌گیری هنرمندانه و خاصش در طراحی جلد کتاب و هم‌چنین به عنوان یک یاور دوست‌داشتنی و دل‌سوز که در طی این سال‌ها در کنار من بود، اظهار قدردانی نمایم».

